

محمدحسین دپانی

سردبیر

هر حرفه ای برای خود اصولی دارد که ممکن است آن را در قالب شعارهایی که مسیر حرکت فعالیت‌های حرفه را می‌نمایاند، مطرح سازد. حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی بدون این گونه شعارها نیست. گاه این شعارها از داخل رشته و گاه از خارج رشته به درون رشته راه یافته است و یا به همان شکل اولیه باقیمانده یا بنا بر خرد جمعی حرفه مندان رشته دچار پالایش یا دگرگونی شده است تا گستره وسیع‌تری را بپوشاند و یا بیشتر با واقعیات سازگار شود. شعار «هر کتابی به یکبار خواندن می‌آرد» احتمالاً یکی از شعارهایی است که از برون به رشته راه یافته است. اما با افزایش روزافزون تعداد کتابهایی که منتشر می‌شود، از نقش هدایتگری این شعار کاسته شده است و شعار یا قانون «هر خواننده ای کتابش و یا هر کتابی خواننده اش از رانگانان جایگزین آن شده است» در مقابل شعار «کتابداران حافظ اندیشه‌های بشریتند» احتمالاً در داخل رشته مطرح شده است. به یقین در برهه‌هایی از زمان - بویژه هنگامی که کتابها به دلایل متفاوت در معرض نابودی قرار داشتند، این شعار هدایتگر کتابداران بوده است. اما به مرور درک شده است که حفاظت فیزیکی از کتابها در عین حال که سودمند می‌نماید، نمی‌تواند زنده نگهدارنده پیامهای مندرج در آنها باشد. آنها دریافته‌اند که زنده ماندن اندیشه‌های موجود در کتابها تنها با رواج آن اندیشه‌ها در بین مردمان میسر است و احتمالاً همین رواج است که به بیشتر پروراندن اندیشه‌ها یاری می‌رساند. با این نوع نگاه شعار قبلی به شعار تازه‌تر که عبارت است از «کتابداران حافظان و مروجان اندیشه بشریتند» تغییر یافته است.

شعار دیگری که در چندین دهه گذشته مطرح بوده «حمایت از جریان آزاد اطلاعات» است. احتمالاً در دورانی که ممانعت از جریان آزاد اطلاعات، به دلایل مختلف و بسته به شرایط زمانی و مکانی، کار ساده‌ای بود، خط حرکتی مشخصی پیش روی کتابداران قرار می‌داد. با رواج فناوریها و شبکه‌های اطلاعاتی نیاز به پالایش در این شعار احساس می‌شود. چرا که شرایط به گونه‌ای تغییر یافته است که هم ممانعت از جریان آزاد اطلاعات وجود دارد و هم سوگیریهای نامناسب و مخرب، بسته به شرایط زمانی و مکانی، در جاده جریان آزاد اطلاعات در حرکت است و مناسبانه بخشی قابل توجه از این سوگیریهای عمده به سهولت قابل شناسایی نیستند. در چنین شرایطی شعار، ایده یا خط مشی حمایت از جریان آزاد اطلاعات، دیگر نمی‌تواند به همان شدت قبلی مورد توجه قرار گیرد و به پالایش نیاز دارد. گمان می‌کنم پالایش مطلوب می‌تواند مسیری گسترده‌تر و روشن‌تر از آنچه را کتابداری و اطلاع‌رسانی امروز در آن گام برمی‌دارد، بنمایاند. ترافیک بالا، فشرده و بدون کنترل اطلاعات در حرکت درون شبکه‌های اطلاعاتی، این نکته را آشکار ساخته است که در این دوران یکی از مهمترین مشکلات جریان آزاد اطلاعات که همانا عمل انتقال اطلاعات می‌باشد، برطرف شده است. اما مشکل بزرگتر یعنی قابلیت شناخت اطلاعات باکیفیت از اطلاعات غلط، نامناسب، گمراه‌کننده، سوگیرانه، بدون پشتوانه، شایعه‌مدار و ... رخ نموده است. کافی است صندوق پست الکترونیکی خود را باز کنید تا در مقیاسی کوچک با این مشکل روبرو شوید. وظیفه سنتی کتابداران که همواره بر محتوای اطلاعاتی فاخر، ناب، باکیفیت، ماندگار یا علمی تأکید داشتند در کمیت و کیفیت جریان آزاد اطلاعاتی که امروز شاهد آن هستیم چیست؟ تردیدی نیست، گستره وسیع قابلیت‌های انتقال اطلاعات از سویی و محاصره اطلاعات با کیفیت به وسیله اطلاعات بی‌کیفیت، شرایطی را به وجود آورده است که عدم مدیریت درست آن خطرناک‌تر و هم‌وزن با خطرات آلودگی هوا یا آلودگی صدا را به ذهن تداعی می‌کند. ورود، گزینش مسیرهای مناسب و بهره‌برداری از منابع معتبر در مسیر پلشتیهای راه یافته به جریان آزاد اطلاعات، تبحر خاصی را طلب می‌کند. چه کسانی از چه حرفه‌ای می‌توانند معیارهای تمایز بین اطلاعات ترفیع‌دهنده و اطلاعات تنزل‌دهنده جایگاه علمی/معنوی کاربران را بشناسند و به کاربران بنمایانند؟

گرچه پذیرفته‌ایم که مشکلات انتقال اطلاعات، دیگر وجود ندارند و می‌پذیریم که اطلاعات ترفیع‌دهنده جایگاه علمی/معنوی انسانهای امروزی در جریان آزاد اطلاعات امروزی حضور دارد، اما اینگونه نیست که همه انسانها به پیش داشته‌های مادی و عملی انتقال اطلاعات دسترسی داشته باشند. در این مورد نیز مانند بسیاری از موارد اجتماعی دیگر نابرابری به شدت دور از عدالت وجود دارد. هزینه‌های دسترسی به حداقل‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و هزینه‌های نگهداری و تداوم استفاده از آنها برای بسیاری از اقشار و افراد جامعه غیرقابل تحمل است و وجود شکاف طبقاتی در این حوزه نیز می‌تواند روزه روز افزایش یابد. شعار سنتی کتابداران «کتابخانه برای همه است» چگونه در شرایط این زمانی که نابرابریهای مادی دسترسی بخش عظیمی از انسانها را به اطلاعات نامیسر کرده است، باید پالایش شود تا از نابرابریهای دسترسی به اطلاعات ناشی از نابرابریهای مادی بکاهد؟

ورود آسان آلودگیها به جریان آزاد اطلاعات، فقدان تبحر در شناسایی و گلچین اطلاعات پاک از اطلاعات آلوده و تلاش برای کاستن از نابرابریهای مادی برای دسترسی به اطلاعات، بویژه در کشورهای در حال توسعه، بهبود شرایط زندگی را که از قابلیت‌های تک تک افراد ناشی می‌شود، نامیسر کرده است. در یک نگاه کلی شاید با درجاتی کمتر این سه معضل در کشورهای توسعه‌یافته نیز قابل ردیابی باشد. آنها نیز با مقیاس متناسب با خود نمی‌توانند به قدری که شایسته آن هستند، در بهبود شرایط زندگی خود نقش داشته باشند.

در این سرسخن، نه بر آنچه که باید بکنیم، بلکه بر آنچه که می‌خواهیم به آن برسیم، تأکید دارم. باید‌ها در همه حوزه‌ها بسیار است، اما به کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه، اندک است. چون هدف، رسیدن به جامعه‌ای بهتر از جوامع امروز است، تواناسازی همه افراد جامعه برای نقش داشتن در شرایطی که بهبود زندگی را میسر می‌سازد، ضروری است. بنا بر مقدمات و مؤخرات این سرسخن، وظیفه کتابدار این دوره را متفاوت از وظایف کتابداران دوره‌های گذشته می‌دانم و این وظیفه را در عبارت «افزایش کیفیت مشارکت مدنی» خلاصه می‌کنم. در این نوشته سه مسیر که می‌تواند بر افزایش کیفیت مشارکت مدنی تأثیر قابل توجه داشته باشد، به اختصار مورد اشاره قرار گرفت. به نظر می‌رسد این سه مسیر جایگاهی مناسب برای حرفه کتابداری در شرایط امروزی پدید می‌آورد. اگر به جای کتابدار از واژه دانشورز (Knowledge Manager) استفاده کنم و دانشورزی را در مقایسه با کتابداری، مرحله‌ای همسوتر با علم محور تلقی نمایم، در آن صورت «حرکت دانشورزان در مسیر افزایش کیفیت مشارکت مدنی» کل مسیر حرکت کتابداران را در دنیای امروزی می‌نمایاند.

از مقالات یا سرسخنهای کوتاه، درباره شعار افزایش کیفیت مشارکت مدنی با محوریت سه چالشی که در این نوشته به آنها اشاره و ادعا شد که می‌تواند رهنمونی باارزش برای کتابداران معاصر باشد، استقبال می‌شود.